

نقش اقلیم و اسلام در شکل گیری فضای داخلی خانه های سنتی از دیدگاه معمار ایرانی

محمدرضا بمانیان^۱، حسام معروفی، متین خلاق دوست

استاد گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران

bemanian@modares.ac.ir

آپژوهشگر دکتری معماری، مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، ایران

hesam.maroufi@gmail.com

آپژوهشگر دکتری معماری، مدرس گروه معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

m.Khallaghdoost@gmail.com

چکیده

خانه برای یک انسان مکانی است که بتواند آن را در مقابل شرایط جوی و محیطی حفظ بگرداند و از طرفی در آن احساس آرامش داشته باشد. در معماری گذشته ایران نحوه فضا بندی و چیدمان داخلی یک خانه دارای سلسله مراتب و امنیت بوده است و سازه خانه ها نیز به گونه ای است که با شرایط اقلیمی هر خانه در هر منطقه اقلیمی که قرار دارد همخوانی داشته ولی یک خانه زمانی به مفهوم واقعی خود می رسد که روح آن نیز کامل باشد و زمانی کامل می شود که سرشار از مفاهیم دینی و اسلامی باشد.

کلید واژه: اقلیم، اسلام، خانه های سنتی، فضای باز، میان سرا

مقدمه:

نحوه قرار گیری فضاهای داخلی یک خانه و چگونگی ترکیب این فضاها با هم تاثیر عوامل مختلفی بوده این عوامل را می توان به عوامل فرهنگی و محیطی حتی نوع کار کردی که این بنا دارد، می تواند داشته باشد. عوامل محیطی همچون اقلیم اشاره کرد. عوامل فرهنگی را می توان مذهب اشاره نمود.

موضوع مورد بررسی در این پژوهش، چگونگی شکل گیری فضاهای داخلی یک خانه بوده است. اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع بدین سبب است که برخی پژوهشگران و محققان خانه های سنتی ایرانی را فقط اقلیمی دانسته و بعضی دیگر آن را کاملاً بر پایه عوامل فرهنگی می دانند. فضاهای زیستی و سکونتگاهی در همه نقاط ایران در گذشته از دو نوع فضای مصنوع و محصور و فضای باز تشکیل می شد. شکل و خصوصیات کالبدی فضاهای باز مسکونی و چگونگی ترکیب آن با فضای ساخته شده

بسیار متنوع بوده است (سلطان زاده، ۱۳۹۰). پرسش های اصلی این تحقیق چنین است: ۱- آیا تاثیر عوامل اقلیمی بر چگونگی و شکل گیری فضاهای داخلی خانه بیشتر بوده است یا تاثیر عوامل فرهنگی؟ این پرسش از این رو اهمیت دارد که برخی محققان فقط یک عامل را موثر می دانند. ۲ - معمار ایرانی به کدام یکی از این عوامل بیشتر توجه می کرده است؟ اهمیت این پرسش در آن است که یک معمار ایرانی در گذشته چه دیدگاهی نسبت به این عوامل داشته است.

معمارهای سنتی تمام هم و غمشان معطوف به داخل خانه بود و نمای خانه چندان اهمیتی برایشان نداشت. متنوع ترین و پرکارترین قسمت خانه اندرونی بود تا ساکنان خانه احساس خستگی و تکرار نکنند. حیاط اندرون هیچ راهی به جز راهروی ورودی نداشت که آن هم پیچ و تاب می خورد تا ساکنان خانه از چشم نامحرم دور نگه داشته شوند. همه اینها باعث شده که معماری خانه های سنتی ایران را یک معماری درونگرا بنامند. اتاق ها در یک خانه سنتی براساس اهمیت و کاربردشان دور تا دور حیاط چیده می شدند. اتاق های تابستانی معمولاً روی ضلع جنوبی قرار می گرفتند تا در طول روزهای تابستان، کمتر در معرض آفتاب باشند و اتاق های زمستان نشین، روبه روی اتاق های تابستانی و دقیقاً روی ضلعی می نشستند که در طول روز، بیشترین آفتاب به آنها بتابد. باقی فضاها هم مثل انبار، آشپزخانه و اصطبل در ردیف دوم و پشت اتاق ها جا می گرفتند. معماری چیزی فراتر از تاریخ فرم و سبک است. معماری در حقیقت دستاورد عوامل فرهنگی و محیطی است و بیان شیوه زندگی افرادی است که آن را در افکنده اند (میشل، ۱۳۸۰).